

• یادداشت •
• جعفر خیر خواهان •

تله خودساخته اقتصاد برای بازنشستگان

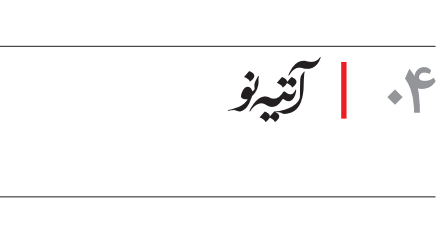
انتظار معقول این است که افراد در سنینی که فعال هستند و توان کار و تلاش دارند، برای آینده و دوران بازنشستگی، سرمایه‌ای پس انداز کنند تا در دوران بازنشستگی از آن بهره‌مند شوند. متأسفانه نظام اقتصادی و بازارهای سرمایه و دارایی‌ها در کشور ما به‌گونه‌ای عمل نکرده که پس اندازها رشد کنند و افراد مطمئن شوند که در آینده می‌توانند از سال‌های فراغت خود بدون نگرانی استفاده کنند. مسئله اصلی اقبالر بازنشسته ما همین است؛ یعنی نتوانسته‌اند در دوران اشتغال خود ذخایری برای آینده کنار بگذارند تا در بزنگاه سالمندی از آن استفاده کنند. امروزه بسیاری از بازنشستگان جز مستمری‌های دریافتی از صندوق‌های بازنشستگی، منبع درآمدی دیگری ندارند و تلخ‌تر آن است که این منبع درآمدی، عموماً جوابگوی هزینه‌های زندگی نیست و به همین دلیل ناچار به حضور در بازار کار شده‌اند. این‌درحالی است که در سال‌های گذشته تلاش زیادی شده که به‌انحای مختلف فضا برای حضور و نقش‌آفرینی نیروهای تحصیل‌کرده جوان آسان شود و راهکار اصلی نیز خارج کردن افراد میانسال و سالمند، از عرصه اشتغال بوده است. از دیدگاه علم اقتصادی این قبیل سیاست‌ها مسکن‌های کوتاه‌مدتی هستند که نمی‌توان حساب چندانی روی آن باز کرد و در حقیقت پاسخی است نامعقول به رشد اقتصادی عموماً منفی یکی دو دهه اخیر. روشن است زمانی که رشد اقتصادی در کار نباشد و اشتغالی ایجاد نشود، این قبیل سیاست‌ها به‌کار نخواهند آمد و نمی‌توان انتظار داشت رقابتی منصفانه میان صاحبان مشاغل و جویندگان شغل ایجاد شود. به‌صورت طبیعی در رقابتی که شکل می‌گیرد، اغلب جوان‌ترها باید جذب شوند. چراکه وقتی افراد بازنشسته درآمد و قدرت خرید کافی برای گذران زندگی خود داشته باشند، اصراری به‌حضور دوباره در بازار کار ندارند. مشکل اصلی این است که در ۱۵ یا ۱۵سال اخیر به‌جز مقطعی کوتاه، اقتصاد کشور، قدرت و تحرک لازم برای ایجاد شغل را نداشته و بازنشستگان هم مزایای قابل‌انکایی دریافت نکرده‌اند. روشن است چنین اوضاعی در کوتاه‌مدت درست نخواهد شد، بلکه نیازمند اصلاحاتی بلندمدت در استراتژی‌ها و روش‌های مدیریت اقتصاد هستیم تا مانند کشورهای چون هند و چین و... به رشد اقتصادی بالا، دست پیدا کنیم. در سنده چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم میزان این رشد به‌درستی ۸٫۸درصد تعیین شده و اگر در این سال‌ها چنین رشدی ایجاد می‌شد و با بازارهای جهانی و کشورهای مختلف مراوده برقرار می‌کردیم، طبیعتاً مشاغل کافی به وجود می‌آمد و شرایطی مانند امروز که هر دو قشر جوان یا بازنشسته بازار کار را رصد می‌کنند، وجود نمی‌داشت. متأسفانه با سیاست‌های نادرست اقتصادی و جارجونجبال‌های دیپلماتیک در برخی دولت‌های گذشته، همه راه‌ها را بر خود بستیم و در تله‌ای خودساخته گرفتار شده‌ایم. ازهمین‌منظر، راهکاری که پیشنهاد می‌شود، افزایش قدرت تولید ثروت و درآمد است. اگر شغل و درآمد ایجاد شود و بازنشستگان درآمد آبرومندان‌ای کسب کنند، به‌طور خودکار از بازار کار خارج می‌شوند. درآمد سرانه سال‌هاست درجا می‌زند و در سطح ۵هزار دلار باقی مانده است. اگر این درآمد به ۱۰ هزار دلار برسد، طبیعتاً مستمری‌های بیشتری هم به بازنشستگان پرداخت می‌شود. لازمه درآمدزایی دست‌یابی به رشد بالای اقتصادی است. در طرف صندوق‌های بازنشستگی نیز بیش از هرزمان دیگری راهکارهای حرفه‌ای و راهگشا احساس می‌شود.

به‌عبارتی صندوق‌ها باید مستقل از دخالت‌های دولت‌ها و تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده سیاسی، عمل کنند تا بتوانند از سرمایه و موجودی‌شان صیانت کنند و منافع حاصله را به بازنشستگان که مهم‌ترین ذی‌نفعان آنها هستند، اختصاص دهند.

اقتصاددان

مشارکت، اشتغال و بیکاری چه تعاریفی دارند؟

مشارکت اقتصادی، بیکاری و اشتغال سه شاخص اصلی در توصیف وضعیت بازار کار هر کشوری محسوب می‌شوند. در ایران مرکز آمار این شاخص‌ها را چنین تعریف کرده است: نرخ مشارکت اقتصادی از نسبت جمعیت فعال (تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در تولید کالا و خدمات مشارکت دارند یا از قابلیت مشارکت برخوردارند) به جمعیت در سن کار، شاغل کسی است که در طول هفته، یک ساعت کار کرده‌باشد و بیکار نیز به تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر اطلاق می‌شوند که دارای اشتغال مزدگیری یا خوداشتغالی نباشند. نرخ اشتغال عبارت است از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال و نرخ بیکاری هم از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال به دست می‌آید.



• سعید سلطانیه •
• روزنامه‌نگار •

هفته گذشته نمایندگان مردم در «خانه ملت» استفساریه‌ای با این مضمون را به تصویب رساندند که محدودیت نهادها و سازمان‌های استفاده‌کننده از بودجه عمومی برای به‌کارگیری بازنشستگان در برخی مشاغل، برداشته می‌شود. مصوبه‌ای که با نهایی شدن آن، بازنشستگان برخی مشاغل خاص از شمول قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان خارج می‌شوند و دستگاه‌ها می‌توانند مجدداً از توان آنها استفاده کنند. فارغ از اصل مصوبه و توجیهات موافقان آن، سال‌هاست که بازنشستگان در بازار کار حضور و رقابتی جدی با جوانان جویای شغل دارند. رقابتی که در بسیاری موارد از میل ذاتی بازنشستگان به‌حضور در اجتماع و تمایل آنها به انتقال تجربه، به دغدغه تأمین معیشت ناشی از برهم خوردن دخل وخرج تغییر یافته است. پرسش کلیدی در این موضوع این است که چرا الگوهای خروج از بازار کار ایران برای مشمولان دریافت مزایای بازنشستگی درست کار نمی‌کند و از همه مهم‌تر اینکه چرا سیاست‌های مشوق بازنشستگی زودتر از موعد، آثار مورد انتظار طراحان و مجریان خود را بر بازار اشتغال برجای نهماده است؟ آیا صرفاً شکننده بودن رفاه اقتصادی و اجتماعی بازنشستگان است که آنها را ترغیب به مشارکت اقتصادی در سنین بازنشستگی می‌کند یا متغیرهای دیگری هم دخیل هستند؟

■ **متغیرهای کلیدی و انحراف سیاست‌گذاری**
به‌طور معمول در ادبیات رفاهی، بازنشستگی روندی طبیعی در چرخه زندگی شاغلان محسوب می‌شود که باید پس از ۳۰ یا ۴۰سال شغلشان را واگذار کنند. در این حوزه سه شاخص امید به زندگی، اقتصاد کلان و نوع نظام بازنشستگی، تعیین‌کننده‌های اصلی شناخته‌می‌شوند که تغییر در کم‌وکیف هریک بر خروج نیروهای مولد از بازار کار اثر می‌گذارد. عواملی که به همان اندازه که مستقل عمل می‌کنند، اثراتی هم بر یکدیگر و حوزه‌هایی چون بازار کار برجای می‌گذارند.

در مورد ایران، اما پیوند این سه عامل به‌علاوه سیاست‌هایی که هدف‌شان حمایت‌گری اجتماعی است، به معضلی اساسی‌تر منتهی شده است؛ چراکه از اساس موضوع بازنشستگی گاه به‌هم‌تابه پدیده‌ای مستقل و درخور توجه، بلکه به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری برای دخالت در چیشش بازیگران حوزه روابط کار، مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی و تحلیل اغلب سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده طی سال‌های اخیر این موضوع را تأیید می‌کند که مسئله اساسی‌تر برای برنامه‌ریزان بیش ازآنکه متوجه بازنشستگان و نیازهای

آنها باشد، بیشتر متوجه ایجاد شغل است؛ اما چه عواملی بر حضور بازنشستگان در بازار کار یا ترک آن اثرگذارند؟

■ **مسئله کفایت مستمری و مقاومت در برابر خروج**
برای بسیاری از بازنشستگان، بازنشستگی با خروج و کاستن از نقش‌های گسترده‌ای که در طول حیات کاری داشته‌اند، معنا می‌دهد. نقش‌هایی که برای آنها منزلت و اعتبار اقتصادی و اجتماعی، نفوذ و رضایت همراه داشته و برهمین اساس مایلند درازای سال‌هایی که در طول مدت زندگی خود، کار و حق بیمه پرداخت کرده‌اند، ایامی را هم در فراغت و استراحت بگذرانند. در ایران این بازه سنی و تعیین اولویت‌های بازنشستگی تابع شرایط و ملاحظات اقتصادی است و همین موضوع به رفت‌وآمدهای بازنشستگان به بازار کار انجامیده که آمار دقیقی ازآن در دست نیست و تنها در سال ۹۴ اعلام شد که ۹۰۰هزار بازنشسته دوباره برای کار به فعالیت‌های اقتصادی برگشته‌اند. بااین‌حال مسئله اصلی کفایت پرداخت‌های بازنشستگی است. به‌خصوص این موضوع برای اقشاری که منبع عمده درآمد خود و خانواده‌های‌شان از مستمری‌ها تغذیه می‌شود، تأثیر فراوانی دارد. به طریق اولی کفایت پرداخت‌های نظام تأمین اجتماعی درباره کسانی که منابع درآمدی دیگری دارند، انگیزه‌های کمتری برای کنش گری اقتصادی ایجاد می‌کند یا حداقل از اندازه آن می‌کاهد. درواقع به هر میزان که تغییرات مستمری بازنشستگی افراد بیشتر باشد، اثرات آن بر مشارکت اقتصادی

بازرتر خواهد بود. این موضوع در ایران به شکل حضور دوباره در بازار کار صورت‌بندی شده است. این بدان معنی است که اگر جمعیت شاغل در سن بازنشستگی برای پوشش هزینه‌های زندگی زیر فشار باشند و مزایای بازنشستگی هم قدرت پوشش دهی به آن را نداشته باشد، افراد برای ترک بازار از خود مقاومت نشان می‌دهند و چه‌بسا به بازار کار غیررسمی روی بیاورند. به‌خصوص اگر نظام‌های بازنشستگی راهکاری برای تطبیق‌پذیری با شرایط و مختصات جدید پیدا نکنند، قدرت خرید به‌تدریج از دست می‌رود که شاید بزرگ‌ترین انگیزه برای حضور در بازار کار می‌شود. اتفاقی که در ایران رخ داده، تاحدود زیادی از همین الگو پیروی می‌کند. هنگامی که افراد به سن بازنشستگی می‌رسند، اولین مواجهه جدی و استرس‌زا را با مسائل اقتصادی و به‌خصوص تورم دارند. در اکثر کشورها بازنشستگان برای برخورد با چنین ناطمینانی‌هایی اقدام به خرید مستمری‌های مکمل یا خرید و نگهداری دارایی‌هایی نظیر اوراق بهادار و ... می‌کنند؛ اما در ایران چنین امکانی بسیار محدود است و عموماً اشتغال به‌کار مجدد در کنار استفاده از مزایای بازنشستگی راه‌حلی است که بازنشستگان به آن میادرت می‌ورزند. گرچه پایگاه‌های اطلاعاتی مراکز و نهادهای آماری کشور، آماری از تعداد بازنشستگان شاغل در بازار کار ارائه نکرده‌اند، بااین حال

بررسی روندهای اقتصادی یک دهه کشور تأیید می‌کند که بازنشستگان حضور چشمگیرتری در بازار کار داشته‌اند.

■ **افزایش مشارکت اقتصادی بازنشستگان**
داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی افراد ۶۵ سال و بالاتر تا پاییز سال ۹۵، حدود ۱۲/۳درصد، اشتغال ۹۸/۱درصد و بیکاری ۷/۷درصد بوده است. پنج سال پیش از آن، یعنی در سال ۹۰ شاخص‌های یادشده این‌گونه بوده‌اند: مشارکت ۱۱/۶درصد، اشتغال ۹۷/۴درصد و بیکاری ۲/۶درصد. گرچه در آمارهای اعلامی مشخص نشده که بازنشستگی و برخورداری از مستمری جزو شغل محسوب می‌شود یا خیر، تحلیل آن نشان می‌دهد بخش اعظم بازنشستگان شاغلند و مشارکت اقتصادی دارند و در سال‌های اخیر هم بر فعالیت آنها افزوده شده است. ازطرفی دیگر اگر این داده‌ها را با سن بازنشستگی تطبیق دهیم، تصویر روشن‌تری از میزان و تغییرات حضور بازنشستگان در بازار کار به دست می‌آید. مرکز آمار سهم اشتغال بخش خصوصی را ۸۳/۳درصد از کل اشتغال کشور اعلام کرده. معنای این حرف آن است که قوانین کار و تأمین اجتماعی بر اکثر فعالیت‌ها حاکم است و می‌توان با درصدی خطا، بخش خصوصی و قوانین را به کل جمعیت شاغل تسری داد؛ برای مثال در قوانین تأمین اجتماعی، سن باننشستگی ۵۰ سال در نظر گرفته شده است (تا ۶۰ سال نیز پیش‌بینی شده)، با

پیش‌فرض قرار دادن این سن و مقایسه مشارکت و حضور بازنشستگان در بازار کار، نتایج قابل تاملی به‌دست می‌آید به‌نحوی که مشارکت اقتصادی افراد در سن ۵۴-۵۰ سال در ۳۸/۲،۹۰درصد بوده، اشتغال ۹۲/۶درصد و بیکاری ۶/۴درصد بوده است. این ارقام برای پنج سال بعد یعنی سال ۹۵ نیز به ترتیب ۴۲/۷درصد، ۹۴/۹درصد و ۵/۱درصد بوده و حکایت از آن دارد که دست‌کم در پنج سال گذشته میزان حضور سالمندان بالای ۶۵سال در ایران دستخوش تغییرات شده است. البته این مسئله تا حدودی شاید به افزایش جمعیت سالمند هم مرتبط باشد. نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن نشان می‌دهد در ۱۰ سال اخیر سهم سالمندان از گروه‌های عمده سنی کل کشور از ۵/۸درصد در سال ۸۵ به ۶/۱درصد در سال ۹۵ رسیده است.

■ **معیشت به زبان آمار**
علی‌رغم تمام این حرف‌ها، بر کسی پوشیده نیست که بازنشستگان وضع معیشتی چندان مناسبی ندارند. برخی علت اصلی کاهش قدرت خرید بازنشستگان را به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی غیراصولی دو دولت گذشته مرتبط می‌دانند و می‌گویند در شرایط شکننده نباید انتظار داشت بازنشستگان بازار کار را به نفع جوان‌ترها ترک کنند. موضوعی که البته دولت یازدهم مدعی

بود با افزایش‌هایی که در ارقام مستمری صورت داده، قدرت خرید بازنشستگان را به سطح سال ۸۴ رسانده است. بااین حال هنوز هم بازنشستگان کمترین رضایت را از وضعیت رفاهی خود دارند. به زبان آمار و ارقام شاید بهتر بتوان توضیح داد که چگونه در یک‌دهه گذشته هم‌زمان با کاهش تدریجی شاخص‌هایی مانند سن، سابقه و دریافتی، تمایل بازنشستگان برای حضور مجدد در بازار کار به طرز بی‌سابقه‌ای بیشتر شده است. برای نمونه گزارش جداول توصیفی مستمری‌گیران سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال ۹۴ نشان می‌دهد که از میان دو میلیون و ۳۰۹ هزار پرونده فعال مستمری، ۶۴درصد پرونده‌ها متعلق به بازنشستگان است که ۳۴درصد آنها مبلغی معادل حداقل دستمزد دریافت می‌کنند و ۱۲درصد آنها رقمی کمتر از حداقل دستمزد دریافت کرده‌اند. ۷۴درصد بازنشستگان را بازنشستگان عادی تشکیل داده‌اند و متوسط رقم دریافتی ماهیانه آنها نیز ۹۵۲ هزار تومان بوده. این درحالی است که میانگین مبلغ مستمری کل بازنشستگان رقمی در حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بوده است. بااین‌حال روند تغییرات سن و سابقه بازنشستگان با آنچه در بازار کار می‌گذرد، هماهنگی دارد. تا پایان این سال میانگین سن بازنشستگان ۶۵ سال و میانگین سن برقراری مستمری ۵۶ سال بوده است. همچنین تا پایان سال ۹۴، میانگین سنی بازنشستگان ۴۲/۷سال و بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۶۰ تا ۶۴ سال بوده که ۵۳/۳درصد بازنشستگان را تشکیل داده

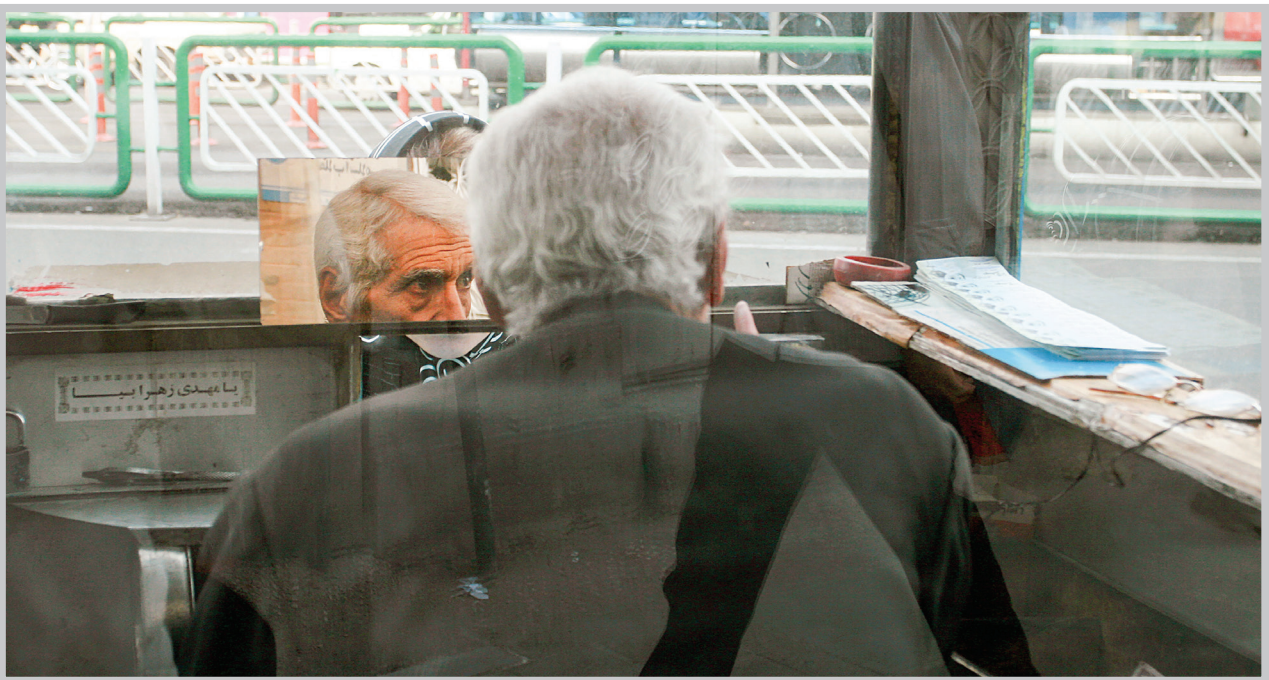


یکشنبه ۹ مهر ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و دو

A T I V E H N O

چرا باوجود مشوق‌های فراوان بیمه‌ای و بازنشستگی‌های زودتر از موعد، بازگشت بازنشسته‌ها به بازار کار همچنان دغدغه است

موج بازگشت به کار در پیرانه‌سری



داده‌های مراکز آماری کشور حکایت از افزایش بازنشسته‌های چندشغله دارد. کارشناس علت اصلی این پدیده را سطح نازل مزایای بازنشستگی و افزایش تعداد بازنشستگی‌های پیش از موعد می‌داند. /عکس: رضا حسینی

است. در میان رده‌های سابقه پرداخت حق بیمه، میانگین سابقه پرداخت حق بیمه ۳۳/۱سال بوده و بیشترین فراوانی پرداخت حق بیمه ۲۵سال است که نیمی از بازنشستگان را شامل می‌شود. چنین سیر کاهنده‌ای معلول مداخله‌گرهای بیرونی فراوانی است که هریک به‌نوبه خود در پی انگیزه‌آفرینی در میان بازنشستگان برای ترک بازار کار و فراهم کردن شرایط دو نهادهای قانونگذار و مجری و تصمیمات و راهبرهایی که در دهه ۸۰ اتخاذ کردند، از بقیه شناخته‌تر شده هستند. تصمیماتی که اغلب در قالب بازنشستگی‌های پیش از موعد تجلی یافت و نتنها به کم‌شدن نرخ بیکاری جوانان نینجامید بلکه پدیده‌ای جدید به نام اشتغال مجدد بازنشستگان را وارد

ادبیات رفاهی کشور کرد که تا پیش از آن سابقه نداشت؛ یعنی که با افزایش بی‌سابقه تعداد بازنشستگان، صندوق‌ها که آماردگی کافی برای هماهنگی با موج تازه بازنشسته‌ها را نداشتند، نتوانستند کفایت مزایای مستمری را برای مشتریان خود تضمین کنند و حتی برای برخی مانند صندوق بازنشستگی کشوری به‌وابستگی تام‌وتمام به دولت و منابع آن انجا می‌با. اینکه اکثریت بازنشستگان برای تأمین حداقل نیازها و احتیاجات خود مجدداً وارد بازار کار شده‌اند، کیفیت زندگی آنها عموماً نزدیک به خط فقر اعلامی مراکز

رسمی است. به‌ویژه اگر بدانیم که اکثر بازنشستگان همچنان دارای میزانی از توانایی هستند که الزاماً مدیریتی برآن صورت نمی‌گیرد و علاوه بر آثار روانی و اجتماعی ناشی از کم‌توجهی یا بی‌توجهی به نقش آفرینی‌شان در عرصه اجتماعی، آثار ناگواری بر زندگی آنها ازمنظر اقتصادی برجای گذاشته است. این مسئله از چپتی نیز به سیاست‌گذاری‌های حوزه اشتغال و بازنشستگی مرتبط است که نتوانسته میان جدایی بازنشستگان از محیط کار و پوشش نیازهای آنها تناسب ایجاد کند و از چپتی نیز در تعارض با تلاش‌هایی است که نظام‌های بازنشستگی برای افزایش سن بازنشستگی انجام می‌دهند. استدلالی که گرچه اعتبار خود را از مطالعات و پیشنهادهای سازمان‌های بین‌المللی و تجربیات کشورهای دیگر می‌گیرد، با مختصات بازار کار ایران همخوانی ندارد و چه‌بسا برعکس عمل کند.

ایده اصلی این است که با خروج نیروی کار باسابقه از دایره اشتغال، فضا برای اشتغال نیروی جوان فراهم شود، منتها در عمل نه سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت‌ها موفق بوده‌اند و نه بازنشستگی پیش از موعد نتیجه داده‌د. روشن است چنین سیاست‌هایی که برای بازنشستگان که مسئله اصلی‌شان افزایش قدرت خرید است، توجیه مناسبی ندارد و حاصل آن شده که نه‌تنها تغییری در ترکیب سنی جمعیت شاغل در کشور به سود جوانان به وجود آید که حتی در پاره‌ای از مواقع نیز به قیمت حضور بیشتر بازنشستگان در بازار کار بینجامد.